

سرکار خانم فیروزه غفارپور

امیرفیض- حقوقدان

با احترام، از توصیه شما (به دنبال توصیه آقای منوچهر گنجی!!) درباره مقاله نیویورک تایمز و لزوم واکنش ایرانیان نسبت به حمایت از مجاهدین خلق مطلع شدم، معلوم نشد که ابراز واکنش را از کدام طیف سیاسی خواسته اید؛ بکار بردن کلمه «ما» تداعی به سلطنت طلبان دارد ولی درکمال تاسف سلطنت طلبان نمیتوانند در این مقوله دخالت کنند؛ مقصود آن است که مسلماً این حق انحصاری سلطنت طلبان است که به نیویورک تایمز اعتراض کنند.

ولی حق، گاهی در اثر بی مبالاتی صاحبان حق از مقام حقانیت ساقط میگردد.

توضیح اینکه، علی القاعده در کار سیاسی و یا حتی تجاری وقتی طرفی سعی میکند که موضوع را از توجه طرف خارج سازد باید یک جایگزین و یا بدیلی ارائه بدهد، والا آن توصیه، مثبت تلقی نمیشود و عنوان کارشکنی خواهد یافت.

سلطنت طلبان اگر مجاهدین خلق رابه درستی شایسته تصدی ایران میدانند، بطور طبیعی نظام سلطنتی ایران را جایگزین و محقق و صاحب صلاحیت میدانند؛ در کمال تاسف این حق کلی و قانونی و هویتی بوسیله افرادی که یکی از آنها خود سرکار خانم هستید در مقام تزلزل حق قرار گرفته است.

آگاهید و در صدر مطلعین هم قرار دارید که عده ای از سلطنت طلبان همراه تعدادی سلطنت نما رفتاری با شخص اعلیحضرت رضاشاه دوم نماد سلطنت ایران کردند که سلطنت طلبان در قیاس با مجاهدین خلق جز سرافکنگی چاره ای ندارند.

کدام یک از مجاهدین خلق و یا حتی جدانشدگان از مجاهدین از رجوی و یا مریم چنان با اتهامات و فحاشی ها و تحقیرها یاد کردند، و در کوی و برزن هر روز پروبال دادند که شما سلطنت طلبان و نمک خوردگان اعلیحضرت کردید؟ کدام گروهی از سلطنت طلبان در مقام دفاع از حیثیت نماد سلطنت و محکوم کردن اعمال غیر انسانی و اخلاقی شما برآمد؟ شما نگاه کنید که **با اعلیحضرت که سخت در تحریم سیاسی دولت آمریکا ست چه رفتاری کرده اید و اکنون هم ادامه میدید،** اگر این ماجرای نامه هشدار عینا حتی خفیف تر برای مجاهدین روی میداد محال بود که تا این حد مورد حمایت شخصیت های آمریکائی قرار گیرند آخر چطور میتوان از گروهی حمایت کرد که همان گروه رهبر خودشان رابه کلکسیونیی از اتهامات و فحاشی ها مفتخر! سازند و آب از آب هم تکان نخورد. **این یعنی نه رهبریت سیاسی وجود دارد و نه گروه سیاسی.**

شنیده اید که میگویند: <احترام امامزاده با متولی است> متولیان سلطنت که نماد سلطنت را با آن اتهامات و فحاشی های رذیلانه محشور ساختند، دیگر امامزاده ای نمیتواند وجود داشته باشد که فصل وجود متولیان آن مطرح گردد که آن متولیان به روزنامه نیویورک تایمز اعتراض کنند!

توصیه شده است؛ به سلطنت طلبان **(ما)** که سوابق مجاهدین خلق رابه روزنامه نیویورک تایمز گوشزد کنیم، سوابق مجاهدین در رابطه با ترور آمریکائی ها و خشونتها مربوط به ۴۰ یا بیشتر سال قبل است، کار سیاست کار روز است؛ <سیاست بنرخ روز است> نه ۵۰ سال قبل، نرخ روز است که شما سلطنت

طلبان برای سلطنت ایران نرخ گذاری کرده اید به کلکسیون فحاشی ها رجوع کنید نرخ روز را برای سلطنت و مبارزه سلطنت طلبان خواهید یافت.

نگران هستم که اگر به مقاله روزنامه نیویورک تایمز ایراد وارد شود، نیویورک تایمز هم کلکسیون فحاشی ها و اتهامات به اعلیحضرت را که از سوی سلطنت طبان **نامرد و بیعزت** متوجه اعلیحضرت شده است را منتشر سازد، تا خوانندگان آن روزنامه آگاه شوند که معترض حمایت از مجاهدین خلق گروهی هستند که آنها رهبر خودشان رابه صفات و اتهامات بسیار رذیلانه درکلکسیون فحاشی ها متهم ساخته اند؛ لذا آنها صلاحیت اظهارنظر در عدم حمایت از مجاهدین خلق را ندارند، گروهی که رهبر آنها متهم به بی شرافتی و دشمنی با موجودیت ایران و ملت است چه صلاحیتی دارد که نسبت به گروه مجاهدین خلق اظهار نظر کند.

خانم غفارپور؛ کار زشتی که سرکار و همفکران شما تحت مدیریت امید دانا نسبت به نماد ملی ایرانیان و امید مردم ایران مرتکب شدید بدعتی است خطرناک که متأسفانه مورد تاسی دیگران هم به آسانی قرار گرفته و همواره باید منتظر تجدید آن بود. نمونه اش همین نامه اخیر آقای دکتر نصر احمدی است.

نگاه کنید و متنبه شوید که چگونه جای پای نامه هشدار را برگزیده است و چگونه همانند سرکار خانم با آنکه در مقام پیمان همکاری و برادری بوده با ولینعمت خود رفتاری بدور از سیره مردانگی و اخلاق و فرهنگ ایرانی بروز داده است و درست همانند شما و نامه هشدار خواستار مناظره و تعرض به اعتبار و حیثیت اعلیحضرت درملاء عام شده است.



نگاه کنید چگونه، آقای نصر احمدی در جهت تکمیل کلکسیون فحاشی های شما به اعلیحضرت کلکسیون جدیدی را باز کرده که در آن برای اولین بار همان نماد ملی که شما نتوانستید خط بطلان بر آن بکشید زیر سوال **بد حادثه قرارش داده است** یعنی امتیازی که فقط انحصار ایرانیان است؛ در فرهنگ جهانیان و از افتخارات هویت ایرانی است آنرا از بد حادثه گرفته است.

دیدید که مک کین سناتور آمریکایی با همه دشمنی با ایران نتوانست این حقیقت تاریخی را نادیده بگیرد که نصر احمدی آنرا به فال بد فام گرفته است.

نگاه کنید اتهام پشت به میهن کرده که درکلکسیون شما آمده دقیقاً درکلکسیون آقای نصر احمدی در عبارت <شمارا در هیچ راستای میهنی نمی بینیم> آمده است.

آیا سرکار خانم احساس فخر نمیکنید که طرح شوم نامه هشدار در جهت جدیدی و بوسیله عامل تازه ای به حرکت در آمده است.

باش تاصبح دولت این گند کاری های شما بدمد؛ که کار نصر احمدی و همانند های او هنوز از نتایج سحراست.

وجدان سیاسی

همه میدانند که شخصیت اداری سرکارخانم بمناسبت تقرب و رازداری در دبیرخانه اعلیحضرت مقتدا است یعنی الگو و سبب تاسی دیگران است، بسیاری ممکن است از این ادعا غافل نمائند که با حضور و امضای خانم غفارپور چه جای اعتراضی برای دیگران که از صحنه دورند باقی میماند؟ پس اصل اعتماد و استصحاب به کجارتفه است؟

در نهایت محور آن عملیات بکلی نادرست و حتی غیر اخلاقی و غیر قانونی متوجه شما میشود که مصدر حرکت اراده و تصمیم دیگران بوده اید؛ تصور میکنم در این موارد وجدان سیاسی توصیه های خاصی داشته باشد چقدر جای خوشبختی و مسرت است که همه ما گهگاه به ندای وجدان خود گوش کنیم.